

نوا

استعفا در دفتر موسیقی

حسین زمان مجوز نگر فت



ترانه «برادر جان» به ترانه‌سرایی «علی اکبر باغی تبار» و با صدای «حسین زمان» به دلیل تشابه اسم آن با ترانه‌ای که سال‌ها پیش

در ایران قبل از انقلاب «داریوش اقبالی» خوانده مجوز نگرفت. بعد از شش ماه و نیم انتظار، نهایتاً ترانه برادر جان با صدای حسین زمان از نظر دفتر موسیقی فاقد شرایط کسب مجوز و اجرا اعلام شد. دفتر موسیقی دلیل این مساله را شباهت محتوایی آن به ترانه برادر جان داریوش اقبالی بیان کرده است. همچنین اعضای شورای شعر هم به حسین زمان گفته‌اند: «چون نگران خودت بودیم مجوز ندادیم!». جالب اینجاست که برای کنسرت زمان این اثر مجوز گرفته بود و ضمن اینکه حسین زمان بعد از ۱۷ سال محرومیت از عرصه موسیقی از سال گذشته بدان بازگشته است. لازم به ذکر است در ماه‌های اخیر شورای شعر و ترانه دفتر موسیقی دستخوش تغییراتی شده است چنانکه شنیده شده درواکنش به این تغییرات سعید بیابانکی از این شوراستعفا کرده است. درباره تهدید به استعفای دیگر شاعر حاضر در شورای شعر نیز شایعاتی شنیده شده است که در اعتراض به روند نامشخص صدور مجوز ترانه هاست.

دفتر موسیقی شایسته است به منظور شبهه زدایی از عملکرد خود به طور شفاف مشخص سازد شعرهای نامناسبی که این روزها مجوز می گیرند امضای چه کسانی را در زیر بر گرفته تا بید به شعر همراه دارد که شعر تأیید شده برای کنسرت این خواننده، حسین زمان، را حالا نامناسب برای صدور مجوز تشخیص داده‌اند.

کرونا دراکستر سمفونیک تهران



در چند روز گذشته مطلع شدیم یکی از اعضای گروه کرارکستر سمفونیک تهران نیز به کرونا مبتلا شده است.

بهرام الله‌وردی با انتشار فایل صوتی از اینکه نادرانسته شاید ناقل بیماری در بین اعضای ارکستر بوده باشد از تک تک همکارانش عذرخواهی کرده است. با این وضعیت اما مشخص نیست حالا که ارکستر سمفونیک ار دی ماه گذشته به سبب گذشتن و رفتن شبانه شهرداد روحانی به آمریکا بدون رهبر مانده است و تکلیف مشخصی ندارد و در چهار ماه ونیم گذشته که به سبب شیوع بیماری کرونا فعالیت‌های اجرایی موسیقی تعطیل است چرا اعضای ارکستر سمفونیک برای ضبط موسیقی مشغول هستند؟ آن هم وقتی نه سامان ونه رهبری دارند نه شرایط سلامتی بر کشور حاکم است! مدیریت حاکم بر بنیاد رود کسی چگونه مدیریتتی هست که ارکستر بدون رهبر و تمرین را در روزهای شیوع سهمگین بیماری کرونا به کار وای دارد؟

وضعیت نامشخص جشنواره

موسیقی فجر



بعد از نزدیک به ۵ ماه که از برگزاری جشنواره موسیقی فجر دوره سی و پنجم در بهمن ماه سال ۹۸ که می گذرد هنوز

مشخص نیست وضعیت جشنواره امسال چگونه است. ضمن اینکه مطابق آیین نامه مصوب جشنواره موسیقی فجر، دفتر موسیقی می‌بایست در روز اختتامیه دبیر دوره آتی را مشخص سازد که در اسفندماه ۹۸ این گونه نشد و تاکنون نیز مدیر دفتر موسیقی اهمتامی به رعایت آیین نامه جشنواره موسیقی فجر نداشته است غیر از اینکه تنها اصرار بر تغییر آیین نامه نداشته عملاً چیز دیگری در خصوص جشنواره موسیقی فجر اتفاق نیفتاده است. همچنین جلسه نقد و بررسی دوره آخر با حضور رسانه‌ها و اهالی موسیقی نیز هنوز بر گزار نشده است. از شفافیت مالی نیز در این دوره هنوز خبری نیست و از میزان هزینه دوره بر گزار شده نیز آمار ی هنوز بعد از گذشت ۵ ماه منتشر نشده است. آای کش از میزان علاقه مدیر دفتر موسیقی به تغییر آیین نامه موجود، اندکی به رعایت این موارد گفته شده در بالا که در آیین نامه هم قید شده اختصاص می‌یافت.

یکی از نکات ظریف و خلاقانه موریکونه، استفاده از ظرفیت‌های کاراکترهای داستان به عنوان متربال برای ساخت موسیقی است. برای مثال در فیلم اورکا که در مورد ماجراهای نهنگی قاتل است؛ دقیقاً صدای نهنگ را با همان فرکانس ودر لایه‌های مختلف با هارمونی‌های متفاوت ارائه می‌دهد که بسیار شنیدنی است

و تلویزیون می‌شناسند. او از نسلی است در حرفه موسیقی متن برای تصویر، که به این حرفه منزلت داده است همچون پیشینیان خود مثل پدر موسیقی فیلم «مکس اشتیئر» فقید و دیگرانی مثل جری گلد اسمیت، موریس زار، ران گودوین، ویلیام والتن، جان ویلیامز، هوارد شور و خیلی‌های دیگر که با حضورشان در سینما، به موضوع موسیقی متن، که یکی از تکیه‌گاه‌های فرایند و محصول فیلم است و به عنوان ارکان «تألیف» در سینما به حساب می‌آید، غنای هنری و فرهنگی بخشیده و آثاری که بدین عنوان و به صورت مستقل در کنار به ارکان رفتن فیلم منتشر می‌شود واژه Soundtrack اصطلاحی می‌گردد که خیلی از دنبال کنندگان فیلم‌های سینمایی اقدام به نگهداری و آرشیو ساند تراک‌های فیلم‌های سینمایی ماندگار می‌کنند و قطعاً آثار موسیقی متن انیمو موریکونه فقید جزو همین آثار است. شاید غلو نباشد بگویم همه‌اهل زمین حداقل یک بار اثری از او را شنیده و زمزمه می‌کنند. با موسیقی موریکونه می‌توان زندگی کرد. شاد شد، عاشق شد و در بهت و حیرت فرو رفت. او همواره همراه است چون موسیقی او در ذهن و ضمیر ماودر حافظه بلند مدت ماحضور دارد و در کائنات نیز منعکس است. پس، بدرود «مایسترو موریکونه» و سپاس از شما که برایمان یادگارهای ماندگاری گذاشتید، پس می‌شود هم چنان، «عاشق شد» و «عاشق ماند».

موسیقی موریکونه فقط یک موسیقی با تعدادی ملودی زیبا و زمزمه پذیر نیست. موسیقی او، خود زندگی است با همه فراز و نشیب‌های آن. با همه لحظات شیرین و تلخ، با همه نیستی‌ها و هستی‌ها، بعضی مواقع موسیقی او درآشک یک پسر بچه تجلی پیدا می‌کند یا در چشمان تشنه زندگی در وسط صحرای نوادا. موسیقی موریکونه خود زندگی است.

موسیقی او حاصل یک کاوش و کنکااش کائناتی است. او خود انسانی زلال و آسمانی است و موسیقی او نیز آیینه تمام نمای اوست. او راوی زندگی است، وقتی از غم و حزن صحبت می‌کند در عمق جان می‌نشیند و وقتی از حماسه صحبت می‌کند انسان را به احساسی غرور انگیز وامی‌دارد. او فقط خداوندگار ملودی‌های عاشقانه و تغزلی نیست و در لحظاتی آن چنان با موسیقی خود فانتزی می‌آفریند که گویی راوی یک اثر کمدی تمام عیار است و این از ظرایف کار اوست. موسیقی متن فیلم Buddy Goes West به کارگردانی مایکل لاپو و بازی با داسپنسر یکی از نمونه‌های بارز آثار فانتزی موریکونه است.

موریکونه در طی ۶۰ سال، بیش از ۴۰۰ موسیقی متن برای فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی آمریکایی و اروپایی نوشت. طیف وسیعی از موسیقی برای آثارها و گونه‌های مختلف سینمایی پلیسی، جنایی، عاشقانه، ملودرام، حماسی و اجتماعی و کمدی. تسلط او در نوشتن موسیقی متن با گونه‌های مختلف او را به آهنگسازی همه فن حریف معروف کرده بود. استقبال او برای نوشتن موسیقی متن به کارگردان و گروه سازنده این امید را می‌داد که کاری ماندگار ساخته خواهد شد و اغلب چنین بود. او زندگی را می‌شناخت و با دستی پر به میدان می‌آمدو همگان را شگفت‌زده می‌کردو به راستی او «خالق خلق» بود.

تسلط به موسیقی کلاسیک و خصوصاً ساز ترومپت که ساز تخصصی او بود در پر توار غنی ایشان، بیش از صدا اثر برای صحنه در حوزه موسیقی مستقل است که هر کدام نیز در نوع و فرم خود شاهکار است. البته مردم، بیشتر انیمو موریکونه را به آهنگساز فیلم

شگفت انگیزی می‌زند. در فیلم اورکا، Orca، به کارگردانی مایکل اندرسون، که در مورد نهنگ قاتلی است که ماجراهایی را با یک شکارچی نهنگ دارد و نقش شکارچی را ریچارد هریس قفید بازی می‌کند، در این فیلم صدای نهنگ را دستمایه تم اصلی کرده و با آراژمان‌های مختلف و البته با یک صدای متزو سوپرانوی متفاوت از نظر رنگ صوتی، دقیقاً صدای نهنگ را با همان فرکانس ارائه و در لایه‌های مختلف با هارمونی‌های متفاوت ارائه می‌دهد که بسیار شنیدنی است و فیلم بسیار در دناکی نیز هست، به طوری که شنونده با نهنگ قاتل همراه می‌شود و این تأثیر هنر موسیقی و قدرت آفرینش موریکونه را به اثبات می‌رساند. هر فیلمی که انیمو موریکونه برای آن موسیقی ساخته جزو بر جسته ترین هاست. در فیلمی به کارگردانی برایان دی پالما با عنوان «بکر و بدیع» یا «دست نیافتنی‌ها»، Untouchables، باز در خشان شون کاتری، رابرت دنیرو در نقش گانگستر معروف نیویورک «آل کاپون»، کوین کاستنر و اندی گارسیا، در فانفار و مقدمه موسیقی را می‌نویسد که در پس تاریکی‌ها و خشونت گانگسترهایی که به قاچاق و ترور مشغول هستند، می‌توان طلوع خورشید و کنار رفتن تاریکی‌ها را در موسیقی در کودر یافت کرد و همچنین در صحنه‌های تغزلی و عاشقانه ساز ساکسیفون را با نواایی جادویی به کار گرفته و لحظات عاشقانه و ملودرامی را برای شنونده به ار مغان می‌آورد و این نشانه نبوغ آهنگساز در خلق موسیقی است. در فیلم «روزی روزگاری در آمریکا»، ساز پن فلوت را به عنوان سراینده درام انتخاب می‌کند و سیر زندگی بچه‌ها را تا دوران بزرگسالی و دگردیسی آن‌ها برای رسیدن به دنیای خیالی خود در آمریکا و رسیدن به زندگی ایده‌آل را، با زبان موسیقی تصویر می‌کند که این موسیقی هم جزو شاهکارهای تاریخ موسیقی فیلم است.

شدن مخاطب به فیلم و البته دستاوردی غیر از تصویر و داستان را نیز به او هدیه می‌کنند او در موسیقی متن به اصطلاح تم «بکر و بدیع» Main Theme نامیده می‌شود. او در آفرینش تم بکر و بدیع، سرآمد است. در فیلم «خوب، بدو زشت» صدای سوتی که با دها دن نواخته می‌شود را با موسیقی به اصطلاح کاپویی باهارمونی و سازبندی متناسب موضوع، در هم می‌آمیزد؛ و صدای نوعی گرگ محلی در صحرای نوادای آمریکا را به نام «کویوت» دستمایه تم اصلی فیلم قرار می‌دهد و آن شاهکار خلق می‌شود. در فیلم مأموریت، Mission، بازی در خشان رابرت دنیرو و جرمی آیرون، تم «پدر گابریل» که برای ساز ابو نوشته شده و یکی از ماندگارترین ملودی‌های فیلم است، را می‌آفریند که حتی بر روی آن اشعاری با زبان‌های مختلف نیز سرورده شده و اجرا می‌شود. یکی از نکات ظریف و خلاقانه موریکونه، استفاده از ظرفیت‌های کاراکترهای داستان به عنوان متربال برای ساخت موسیقی است. جدای این فیلم‌ها نیز جزو ماندگارترین موسیقی متن و تم‌های به یادماندنی است. موریکونه در استفاده از همه ظرفیت‌های صوتی برای بهتر نزدیک

سکانس بسیار معروفی که تم در آنجا استفاده شده و تأثیر شگفت انگیز این تم را همگان در فیلم درک و احساس کرده‌اند. به راستی او با این فواصل و هارمونی، چه جادویی به پامی‌کند که این چنین در عمق وجود می‌نشیند و انسان را تا مدت‌ها استحال می‌کند؟ گویی، او جدای از فرایند کمپوزیسیون و معماری اصوات، به تک تک نت‌ها جان بخشی می‌کند و علاوه بر هندسه نت‌ها، به تعریفی دیگر از زوایای دیده نشده موسیقی می‌رسد که کمتر کسی به این نقطه ناقل آمده است. نت‌های او سراسر زندگی هستند. با موسیقی او می‌توان زندگی را مفهومی دیگر بخشید او را ز هارمونی عاشقانه را به خوبی یافته و آن چنان آن‌ها را کنار یکدیگر می‌چیند که گویی خداوندگار این اصوات است. موسیقی‌های او را همگان شنیده‌اند. در فیلم‌های به اصطلاح «وِسترن اسپاگتی» که خالق آن هاسر جیولونونه ایتالیایی است. کارگردان بسیاری از فیلم‌های وسترن ایتالیایی که موسیقی این فیلم‌ها نیز جزو ماندگارترین موسیقی متن و تم‌های به یادماندنی است. موریکونه در استفاده از همه ظرفیت‌های صوتی برای بهتر نزدیک

آری! انیمو موریکونه آهنگساز برجسته، یکی از بی نظیرترین و تأثیر گذارترین موسیقی دانان فیلم و صحنه، در ۹۲ سالگی جاودانه شد.

او بسیاری از خاطرات زیستی ما را شکل داد. تأثیر آفرینش‌های او به خصوص در زمینه موسیقی متن فیلم‌ها و آثار متعدد تلویزیونی، طی حدوداً ۶۰ سال، میراثی غنی از ملودی‌ها و موسیقی‌های ماندگار، در ذهن و حافظه شنیداری بشریت ثبت کرده که کمتر کسی به این افتخار ناقل آمده است.

با موسیقی متن فیلم ماندگار «سینما پارادیزو» باتم عاشقانه ملودی، موریکونه، بسیاری عاشق شدند.

دنک و دونگ

موسیقی در شرایط امروز ما چه معنایی دارد؟

حال خوب، امید و چیزی از جنس زندگی



بینا یاری

موسیقی در شرایط امروز ما چه معنایی دارد؟ شاید معنای موسیقی را بسیاری نوشته باشند، اندیشمندانی نیز در عمق کلمات به جستجوی آن پرداخته و چندوچون آن را بررسی کرده باشند و به لحاظ ذاتی آن را واکاویده و دست‌آخر تعریفی از آن ارائه داده باشند. موسیقی بالذات چیست؟ چه کارکردی دارد؟ و حالا چه جایگاهی امروز در تصور اتمان از آن داریم و چه جایگاهی را در امروز به دست آورده است؟

در این چند دهه زندگی کم سخت نبوده و

در زادروز احمد پژمان؛

قطعه ۵۰ ساله پاریسان منتشر شد

موسسه «خانه هنر خرد» به مناسبت زادروز احمد پژمان، آهنگساز برجسته موسیقی کشورمان، یک اثر منتشر نشده این هنرمند را هفته گذشته در فضای مجازی منتشر کرد. این اثر به مدیریت هنری علی صمدپور در انتشارات موسسه خانه هنر خرد منتشر و بر وبسایت «بیپ تیونز» عرضه شده است.

احمد پژمان در توضیح این قطعه در گفتگویی که بر روی صفحه اینستاگرام «خانه پاپور» قرار داد چنین گفته است: «سال ۱۹۶۴ برای تحصیل در رشته آهنگسازی عازم کشور اتریش، شهر وین، شدم. در سال دوم آکادمی یک قطعه به نام «کنسرت برای ۹ ساز» نوشتم و با راهنمایی استادم «توماس

کریستیان دایوید» آن را تمام کردم که با پیشنهاد و کمک ایشان

در رادیو وین این موزیک را اجرا ضبط کردم. سال بعد، در کلاس ارکستراسیون قطعه‌ای به نام «اپسودی» را می‌نوشتم که نشان آقای «هاینس سنداور» دادم که ایشان علاوه بر تدریس آکادمی در رادیو وین هم ارکستری داشتند و هفته‌ای سه بار با آن اجرا داشتند. در ضمن قطعه را تور «پارسیان» را هم نوشته بودم و به ایشان نشان دادم. به من گفتند که هر دو اثر را می‌خواهند در رادیو وین با ارکستر



سمفونیک ضبط کنند. قطعه «اپسودی» را ضبط اما متأسفانه وقت نشد که قطعه «پارسیان» را ضبط کنند. پس از پایان تحصیل و بازگشت به ایران به علت مشغله زیاد این اثر را فراموش کردم، امسال بعد از ۵۰ سال بالاخره آن را دوباره پیدا و برای کوئینتت سازهای زهی تنظیم کردم و تغییرات زیادی به آن دادم و اثری که الان می‌بینید بازسازی همان قطعه‌ای است که خیلی عوض شده.»